## مرگ ۷ دختر و پسر در مهمانی مجردی

صبح دیروز هفت دختر و پسر جوان در ویلای دماوند دچار گاز گرفتگی شدند و جان خود را از دست دادند. به گزارش رکنا، طبق اعلام مرکز پیام اورژانس شهرستان دماوند، این اتفاق ساعت ۱۱:۳۸ دیروز گزارش شد و امدادرسانی توسط اورژانس سربندان و تکنیسین‌های اعزام شده صورت گرفته است. در این حادثه سه آقا و چهار خانم جان خود را از دست دادند و با حضور عوامل اورژانس سر صحنه، هیچ گونه علایم حیاتی نداشتند.

# جنایت هولناک در پی خودنمایی برای «دوستی خیابانی»!

تصویر متهم هنگام ورود به میوه فروشی و قرار گرفتن مقابل مرد ۴۲ ساله

**سید خلیل سجادپور**- جوان ۲۳ ساله مجردی که در پی خودنمایی برای دوستی خیابانی با یک دختر، مرد ۴۲ ساله بی گناهی را با ضربه چاقو به قتل رسانده است، دقایقی بعد از دستگیری، به تشریح ماجرای این جنایت هولناک پرداخت.

به گزارش خراسان، ساعت ۲۳ پنج شنبه گذشته، ماموران کلانتری قاسم آباد مشهد در تماس با قاضی ویژه قتل عمد، از مرگ مرد ۴۲ ساله ای خبر دادند که بر اثر وارد آمدن ضربات چاقو به ناحیه سر، از روز چهارشنبه در بیمارستان طالقانی مشهد بستری شده بود اما تلاش کادر درمانی برای نجات این جوان به نتیجه نرسید و او جان خود را از دست داد. با توجه به اهمیت موضوع، بلافاصله قاضی علی اکبر احمدی نژاد به همراه گروهی از کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی عازم مرکز درمانی شد و بدین ترتیب تحقیقات قضایی درباره چگونگی وقوع این حادثه مرگبار ادامه یافت. بررسی های مقدماتی نشان می داد: «علی-ر» (مقتول) به دنبال وقوع نزاعی در یک میوه فروشی واقع در بولوار ادیب منطقه قاسم آباد مشهد مجروح شده و به مرکز درمانی انتقال یافته است بنابراین با صدور دستوری از سوی قاضی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، گروه ویژه کارآگاهان با سرپرستی سرگرد نجفی (افسر پرونده) عازم محل نزاع شدند تا به بررسی تخصصی و کارشناسی بپردازند. کارآگاهان بعد از بازبینی صحنه نزاع از طریق دوربین های مدار بسته ای که این حادثه دلخراش را ضبط کرده بودند برای ادامه تحقیقات به کلانتری قاسم آباد رفتند تا با همکاری نیروهای کلانتری سرنخی از ضارب فراری به دست آورند. گزارش خراسان حاکی است: کارآگاهان بعد از چند ساعت تحقیقات شبانه و در حالی که قاضی ویژه قتل عمد نیز در کنار آنان حضور یافته بود به سرنخ هایی رسیدند که نشان می داد روز حادثه یکی از دوستان علی (مقتول) نیز همراه او بوده است بنابراین با دستور مقام قضایی، این مرد ۳۸ ساله به مقر انتظامی هدایت شد و مورد بازجویی های تخصصی قرار گرفت.

این مرد درباره چگونگی ماجرا گفت: آن روز صبح علی برای انجام یک کار قضایی به دادسرای طرقبه و شاندیز رفته بود که هنگام بازگشت به همراه او تا پلیس راه امام هادی (ع) رفتم. قرار بود علی به گلبهار (محل اقامت مقتول) برود و من هم به خانه خودمان در مشهد باز گردم اما در همین حال زنگ تلفن علی به صدا در آمد و او بعد از آن که پاسخ تلفن را داد به من گفت: پشت خط پسر خاله‌ام بود و با من کاری دارد! بیا با هم برویم تا ببینیم چه می گوید! دوباره با یکدیگر باز می گردیم!! من ابتدا مخالفت کردم ولی او گفت: خیلی زود باز می گردیم! که من راضی شدم و با هم به آن سوی جاده رفتیم تا این که پسر خاله علی سوار بر یک دستگاه پراید به دنبالمان آمد. در حالی که من او را تا آن لحظه ندیده بودم، سوار خودرواش شدیم و به طرف قاسم آباد رفتیم. نزدیک خیابان ادیب راننده (پسر خاله مقتول) به دنبال فردی می گشت و لی او را پیدا نمی کرد تا این که بعد از چند بار دور زدن در همان منطقه، با تلفن خودش با فرد دیگری تماس گرفت و در حالی که «کری خوانی» می کرد فریاد می زد اگر جرئت داری بیا! و در نهایت با همان فردی که آن سوی خط بود هماهنگ کرد که ناگهان دو نفر کنار خودرو قرار گرفتند. راننده شیشه پراید را پایین کشید و گفت: بگو! ولی آن دو نفر اصرار داشتند که از خودرو پیاده شود! با وجود این راننده هم فریاد می زد هر حرفی داری همین جا بگو! هنگامی که این حرف ها بین آن ها رد و بدل می شد در یک لحظه یک نفر چاقویی را بیرون کشید که راننده با دیدن چاقوی طرف مقابل، پدال گاز را فشرد و از صحنه گریخت. ماهم که ترسیده بودیم از راننده خواستیم ما را در همان جا پیاده کند! وقتی من و علی از پراید پیاده شدیم، پسر خاله او (راننده پراید) هم از محل رفت. در این هنگام بود که علی به من گفت: بیا برگردیم تا ببینیم ماجرای این ها چه بود! وقتی جلوتر رفتیم ناگهان جوانی به نام «سجاد» با همان چاقویی که در دست داشت به سوی علی حمله‌ور شد او هم از ترس به وسط بولوار دوید اما کنترلش را از دست داد و روی زمین افتاد. وقتی دیدم سجاد با چاقو نزدیک دوستم رسید من هم بلافاصله دخالت کردم و آن جوان (سجاد) را هل دادم که چاقو از دستش رها شد و در همین لحظه دوستم (علی) از روی زمین بلند شد و خودرا

لحظه درگیری جوان چاقو به دست

به داخل میوه فروشی آن سوی خیابان رساند. من از ترس نمی توانستم جلو بروم ولی آن جوان دوباره به سمت میوه فروشی رفت و از شدت عصبانیت بسیاری از میوه ها را با ضربات چاقو شکافت و چند ضربه هم به دوستم زد که بعد از فرار سجاد، دوستم خون آلود کنار خیابان افتاد، او را به بیمارستان رساندیم که متاسفانه امروز فهمیدم جان خود را از دست داده است! گزارش خراسان حاکی است، در حالی که هویت متهم به قتل شناسایی شده بود، کارآگاهان ورزیده پلیس آگاهی در همان ساعات اولیه بامداد، راهی منطقه ادیب شدند ولی کسی در منزل آن ها حضور نداشت کارآگاهان با دستور قاضی احمدی نژاد منزل را تحت پوشش های مراقبتی درآوردند تا این که صبح روز بعد خانواده متهم از مسافرت بازگشتند و با همکاری آن ها و در حالی که هنوز متهم از مرگ فرد مجروح خبر نداشت، به محل استقرار کارآگاهان هدایت شد و حلقه های قانون به دستانش گره خورد. این جوان ۲۳ ساله در اعترافاتی تلخ و در حضور قاضی ویژه قتل عمد گفت: از مدتی قبل با دختری که در یکی از بازارهای تجاری معروف منطقه سی متری طلاب فروشندگی می کرد، آشنا شده بودم تا جایی که این ارتباط خیابانی به وابستگی شدید عشقی کشید! در همین بین بود که فهمیدم جوان دیگری (پسر خاله مقتول و راننده پراید) هم با آن دختر که عشق من بود طرح دوستی ریخته است! به شدت عصبانی شدم و چند بار با او قرار گذاشتم ولی هر بار بنا به دلایلی این دیدار صورت نگرفت تا این که روز حادثه (چهارشنبه) دوباره در نزدیکی محل سکونتم در بولوار ادیب قرار گذاشتیم که این حادثه رخ داد و مردی را که مجروح شد ندیده بودم! گزارش خراسان حاکی است، در همین حال وقتی قاضی احمدی نژاد اتهام یک فقره قتل عمد را به متهم تفهیم کرد، ناگهان او با شنیدن ماجرای مرگ مرد ۴۲ ساله خود را روی زمین رها کرد و اشک هایش سرازیر شد چرا که فکر نمی کرد به همین راحتی دستش به خون آلوده شود و به عنوان قاتل پای میز محاکمه بنشیند! متهم در ادامه تحقیقات و در دفاع از خود مدعی شد: زمانی که علی (مقتول) به سمت من آمد چاقویی در دست داشت که با دسته آن ضربه ای به زیر چشمم زد و زمانی که چاقو از دستش افتاد من آن را برداشتم و داخل میوه فروشی ضرباتی به سر و صورتش وارد کردم! بنابراین گزارش، تحقیقات بیشتر درباره این جنایت هولناک در حالی ادامه دارد که متهم با صدور قرار بازداشت موقت در اختیار کارآگاهان اداره جنایی قرار گرفته است.

# نزاع در «بازی والیبال» به جنایت مسلحانه کشید

**سجادپور**- نزاع مسلحانه ای که پس از اختلاف نظر در بازی والیبال جوانان یکی از روستاهای مشهد رخ داد با جنایت به پایان رسید.

به گزارش خراسان، جمعه گذشته چند تن از جوانان روستای شورک ملکی از توابع مشهد در حال بازی والیبال بودند که ناگهان اختلافی بر سر بازی رخ داد و همین موضوع به مشاجره و درگیری دو طرف انجامید.

در همین حال ناگهان دو گروه با چوب و چاقو و شمشیر به جان هم افتادند و درگیری وحشتناکی آغاز شد. در اثنای این درگیری یکی از جوانان روستا به سوی دیگری رفت و در یک لحظه با اسلحه کلاشینکف به سمت جاده اصلی روستا بازگشت.

بنابر گزارش خراسان، هنوز عصبانیت های ناشی از این اختلاف ساده فروکش نکرده بود که صدای شلیک گلوله در فضای روستا پیچید و چند نفر مجروح شدند. با انتقال مجروحان حادثه به بیمارستان امدادی هاشمی نژاد، مشخص شد که گلوله سلاح کلاشینکف به سر جوان ۳۵ ساله ای به نام «مصطفی خ» اصابت کرده است که این مرد متاهل بر اثر عوارض شدید ناشی از اصابت گلوله جان سپرد و کودک ۱۱ ساله ای نیز در مرکز درمانی بستری شد. با مرگ این مرد جوان، بلافاصله قاضی احمدی نژاد در حالی که مشغول بررسی ماجرای یک پرونده جنایی دیگر در مهمانپذیر غیرمجاز بود، عازم بیمارستان شد و به تحقیق در این باره پرداخت. با دستور مقام قضایی، گروه زبده ای از کارآگاهان اداره جنایی به سرپرستی سرهنگ علی بهرام زاده (افسر پرونده) عازم روستای شورک ملکی شدند تا به زوایای پنهان این جنایت دست یابند. در بازرسی از چندین مکان که احتمال اختفای متهم فراری می رفت، سرنخ های مهمی به دست نیامد اما در بررسی های تخصصی هویت متهم فراری مشخص شد. در همین حال برخی دیگر از افرادی که در نزاع حضور داشتند با صدور دستورات ویژه قضایی بازداشت شدند و بدین ترتیب تحقیقات کارآگاهان همچنان ادامه یافت تا این که با دخالت و رایزنی های بزرگان روستا که وقوع چنین حادثه تلخی را برنمی تافتند، متهم فراری نیز خود را تسلیم قانون کرد و این گونه ریش سفیدان، شوراهای محل و بزرگان روستا بار دیگر در همکاری با قانون و دستگاه قضایی سرمشقی برای دیگران شدند. تحقیقات بیشتر درباره این جنایت مسلحانه همچنان ادامه دارد.

## از میان خبرها

### افشای راز جسدی در میان زباله ها

**سجادپور**- ماجرای کشف جسد یک مرد در میان زباله ها به «خودکشی» گره خورد.

به گزارش خراسان، جمعه گذشته در حالی که هنوز تحقیقات قاضی ویژه قتل عمد درباره پرونده جنایت در میوه فروشی ادامه داشت، خبر کشف جسدی در حاشیه جاده سرخس، قاضی احمدی نژاد را به محل مذکور کشاند. جسد مربوط به مرد ۴۲ ساله ای بود که با لباس زیر در میان زباله های حاشیه جاده رها شده بود! بررسی های مقام قضایی به سوی سرنخ هایی کشیده شد که نشان می داد: مرد جوان مسافری است که ماجرای گم شدن وی چند ساعت قبل به پلیس گزارش شده است. این در حالی بود که فردی یک ساک دستی را به اهالی مسجدی در منطقه قلعه ساختمان تحویل داده و مدعی شده بود که ساک مذکور را فرد معتادی پیدا کرده است. بنابر گزارش خراسان، بررسی سوابق مفقودی ها و مشخصات آن ها نیز نشان داد که جسد کشف شده مربوط به مسافری از استان قم است که مدتی قبل پسر ۲۳ ساله اش در یک سانحه تصادف جان باخته است. آثار و علایم حلق آویزی در زیر گلوی مرد ۴۲ ساله در حالی تحقیقات را به خودکشی گره زد که بررسی های شبانه مقام قضایی به یک مهمانپذیر غیرمجاز در بولوار وحدت کشیده شده بود. اگرچه متصدی این هتل آپارتمان غیرمجاز ابتدا همه چیز حتی حضور متوفی را انکار می کرد اما بعد از چند ساعت بازجویی و سوالات تخصصی قاضی ویژه قتل عمد، در نهایت اعتراف کرد که جوان مذکور در مهمانپذیر خودکشی کرده و او از ترس، جسد اورا در ۳۵ کیلومتری جاده سرخس رها کرده است. در همین حال خانواده متوفی نیز از علایم تالمات شدید روحی و روانی متوفی بعد از مرگ فرزندش سخن به میان آوردند. با وجود این تحقیقات بیشتر در این باره با انتقال جسد به پزشکی قانونی، ادامه یافت.

### عامل قتل مرد میان سال در سیرجان دستگیر شد

**توکلی**- عامل قتل شهروند سیرجانی در کمتر از ۷۳ ساعت به چنگ پلیس افتاد.

فرمانده انتظامی سیرجان گفت: فردی که چند روز قبل یکی از اهالی روستای ملک آباد سیرجان را به قتل رسانده بود و از محل جنایت متواری شده بود در کمتر از ۷۲ ساعت توسط ماموران پلیس آگاهی دستگیر شد. به گزارش خراسان سرهنگ "محمدرضا ایران‌نژاد" در این خصوص افزود: در پی گزارش یک فقره مرگ مشکوک در روستای ملک آباد، ماموران با حضور در یک منزل مسکونی با پیکر بی جان یک مرد میان سال که با ضربات چاقو به قتل رسیده بود روبه رو شدند. وی اظهار کرد: با بررسی ها وتحقیقات بعدی پلیس آگاهی در این باره و بنا به شواهد و مدارک موجود یک نفر تبعه افغانی به عنوان مظنون اصلی شناسایی و دستگیر شد. وی تصریح کرد: متهم در بازجویی انجام شده لب به اعتراف گشود و به قتل این مرد ۴۶ ساله به دلیل یک سری اختلافات فردی اعتراف کرد که هم اکنون این پرونده جنایی برای ارجاع به مقام قضایی و اقدامات بعدی در حال تکمیل است.

### جان باختگان سقوط از کوه در کوهرنگ ۳ نفر شدند

فرماندار شهرستان کوهرنگ تعداد جان باختگان حادثه سقوط از کوه در بخش صمصامی را سه نفر اعلام کرد.

مرتضی زمانپور روز شنبه در گفت و گو با ایرنا افزود: پیکر بی جان نفر سوم که در بلندی های بخش صمصامی این شهرستان گم شده بود، روز شنبه توسط امدادگران پیدا شد. او یادآور شد: روز گذشته یکی از اهالی روستای «دزک علیای بخش صمصامی» به کوه های مجاور منطقه رفته بود اما به منزل بازنگشت از این رو تعدادی امدادگر محلی برای یافتن وی به محل اعزام شدند. وی ادامه داد: در اثر بارش برف و شرایط نامناسب هوا دو امدادگر محلی از کوه سقوط کردند و جان باختند و پیکر بی جان فرد سوم نیز از سوی امدادگران جمعیت هلال احمر پیدا و به پایین کوه منتقل شد.

## درامتدادتاریکی

### ماجرای هوسباز عاشق نما

ماجرای غم انگیز خودم با امیر و بلای شومی که قصد داشت از طریق قربانی کردن من برای دختران جوان دیگر هم رقم بزند هوسبازی شومی بود که هیچ گاه فراموش نمی کنم. حدود یک سال پیش بود که از طریق یکی از همکلاسی هایم در خوابگاه مدرسه با امیر آشنا شدم. به ظاهر پسر معقول و مهربانی به نظر می آمد. این اولین باری بود که در طول زندگی ام با جنس مخالف ارتباط برقرار می کردم، اختلاف سنی زیادی با هم داشتیم اما برایم مهم نبود، چرا که بودن در کنار او باعث آرامشم می شد. اوایل از طریق دوستم، تلفنی با امیر در ارتباط بودم تا این که خودم با خواهش و تمنا و به بهانه اقامت در خوابگاه و نیاز به ارتباط با خانواده توانستم رضایت پدر و مادرم را به دست آورم و تلفن همراه تهیه کنم اما این همراه باعث تنهایی ام در سخت ترین شرایط زندگی شد. بعد از چند هفته ارتباط تلفنی و چت های شبانه از طریق شبکه های اجتماعی و رد و بدل کردن عکس های شخصی، احساس وابستگی من به امیر بیشتر از هر زمانی شد. وعده و وعیدهای واهی امیر به همراه احساسات بی حد و اندازه و سادگی من باعث شده بود که در ذهنم از وضعیت موجود برای خود بهشتی بسازم که نظیرش را تا به حال کسی تجربه نکرده است. دیدن هر روز امیر در مسیر مدرسه به این دلبستگی بیش از پیش دامن می زد تا این که یک روز پیشنهاد وسوسه انگیزش را مطرح کرد. از من خواست تا خودش مرا به خوابگاه برساند. ابتدا مقاومت کردم اما با اصرار او سوار شدم. بدون کوچک ترین حرف و حاشیه ای مرا به خوابگاه رساند. با این برخوردش اعتماد مرا به حدی جلب کرد که بعد از آن روز هر موقع که پیشنهاد همراهی می داد بدون معطلی سوار ماشینش می شدم و او هم مرا بلافاصله به مقصد می رساند. این روند ادامه داشت تا این که در آخرین دیدار احساس کردم امیر به کلی عوض شده، حالت عادی نداشت. سوار ماشین که شدم بویی شبیه الکل فضای ماشین را پر کرده بود. خیلی ترسیده بودم. از ش خواستم ماشین را نگه دارد تا پیاده شوم اما او با بی توجهی به حرف های من از شهر خارج شد. سکوت امیر وحشتم را زیادتر کرده بود، انگار دنیا روی سرم خراب شده باشد. فقط التماس می کردم که مرا به خوابگاه برگرداند ولی او بدون توجه به گریه هایم مرا به یک نقطه در حاشیه شهر برد و حادثه تلخی که نباید، اتفاق افتاد و تلخ تر از آن گرفتن فیلم از آن بود. وقتی به خودم آمدم متوجه شدم بهشتی که با وجود امیر در فکر و خیالم ساخته بودم با فیلم و عکس هایی که از من گرفته بود بر باد رفته و چقدر زود سقف زندگی شیرین و خیالی که به خاطرش روی همه باورها، اعتقادات و اعتماد خانواده ام پا گذاشته بودم فروریخت اما این اول ماجرا بود... بعد از آن روز شوم، امیر پرده از نیت اصلی و شیطانی خود برداشت. تازه فهمیدم که من تا به حال طعمه ای بودم برای رسیدن او به خواسته های نفسانی اش. با درخواستی که داد، مرگ را جلوی چشمانم می دیدم. از من خواست که هر وقت تماس می گیرد یکی از دوستانم را همراه خود به سر قرار ببرم تا او خواسته های شیطانی خود را عملی کند و گرنه تمام فیلم و عکس هایم را در فضای مجازی منتشر می کند. از خدا می خواستم که همه این اتفاقات کابوسی وحشتناک باشد. باورم نمی شد به این راحتی و با چشمانی بسته خام حرف های پسری شدم که تا به حال او را ندیده و هیچ شناختی راجع به او نداشتم. زجرآورتر از همه این اتفاقات زمانی بود که فهمیدم امیر متاهل است و به تازگی ازدواج کرده است. شرایط روحی خیلی بدی داشتم. از یک طرف شکست روحی و عاطفی و بر باد رفتن احساساتم و از طرف دیگر ترس از انتشار فیلم و عکس های خصوصی ام توسط امیر در فضای مجازی کاملا سردرگم و مضطربم کرده بود چرا که اگر به خواسته امیر تن می دادم گناهی بود نابخشودنی و سرنوشت دیگران مثل خودم تیره و تار می شد و اگر هم امتناع می کردم آبرو و حیثیت خود و خانواده ام بر باد می رفت. پس بهترین راه حل در میان گذاشتن موضوع با مشاور مدرسه بود از این رو با عجله به مشاور مراجعه کردم و کل ماجرا را برایش تعریف کردم. او هم موضوع را با پلیس در میان گذاشت و خیلی زود امیر را دستگیر کردند اما من صرف نظر از به دام افتادن این هوسباز عاشق نما، ماجرای غم انگیز خودم با امیر و بلای شومی را که قصد داشت از طریق قربانی کردن من برای دختران جوان دیگر رقم بزند هیچ گاه فراموش نمی کنم.

**ماجرای واقعی با همکاری معاونت اجتماعی پلیس کرمان**

فروش انواع کت و شلوار با قیمت پارسال
فقط ۹۹ هزار تومان
کت و شلوار ۹۹ تومان، شلوار ۳۹ تومان، مانتو ۶۹ تومان
بلوار پیروزی، بلوار رضوی، بین رضوی ۸ و ۱۰ فروشگاه تولیدی بزرگمهر ۰۹۱۵۴۷۷۹۳۸۲
۹۷۱۷۲۶۲۲/س

سوله رهن و اجاره - مشهد اول جاده نیشابور
۱۴۰۰ متر سوله - به ابعاد ۷۰ در ۲۰ ۱۴۰۰ متر محوطه - ۲۰۰ متر اداری
جهت تولیدی یا انبار (دارای آب، برق، گاز، تلفن) ۰۹۱۵۱۱۵۰۵۹۳
۹۷۱۷۲۶۰۱/س

آگهی مزایده عمومی
شهرداری مشهد
مزایده گر: سازمان مدیریت پسماند شهرداری مشهد
۱- موضوع مزایده: واگذاری حق امتیاز بهره برداری و جمع آوری پسماندهای خشک منطقه پنج (بجز ایستگاههای ثابت مبادله پسماند خشک) شهرداری مشهد بمدت یکسال کامل شمسی
۲- مبلغ سپرده شرکت در مزایده: ۹۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۳- تاریخ دریافت اسناد: از تاریخ ۹۷/۱۱/۲۱ لغایت ۹۷/۱۲/۱۲
۴- آخرین مهلت تحویل پیشنهادات: ساعت ۱۴:۰۰ مورخ ۹۷/۱۲/۱۳
۵- تاریخ برگزاری جلسه: ساعت ۱۲:۰۰ مورخ ۹۷/۱۲/۱۴
۶- محل دریافت اسناد: مشهد- بزرگراه شهید کلانتری- حدفاصل میدان حافظ و غدیر- سازمان مدیریت پسماند شهرداری مشهد - ساختمان شماره ۲- اداره امور قراردادها
۷- سایر اطلاعات مربوط به مزایده در اسناد مزایده درج شده است.
۸- جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت http://ets.mashhad.ir مراجعه و یا با شماره تلفن ۳۳۸۷۳۰۵۲ -۰۵۱ اداره امور قراردادها تماس حاصل فرمایند.
سازمان مدیریت پسماند شهرداری مشهد
۹۷۱۷۲۷۶۸/س

آگهی مزایده عمومی
شهرداری مشهد
مزایده گر: سازمان مدیریت پسماند شهرداری مشهد
۱- موضوع مزایده: واگذاری حق امتیاز بهره برداری و جمع آوری پسماندهای خشک ایستگاههای ثابت مناطق ۳-۲-۱ و ۵ شهرداری مشهد بمدت یکسال کامل شمسی
۲- مبلغ سپرده شرکت در مزایده: ۲۵۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۳- تاریخ دریافت اسناد: از تاریخ ۹۷/۱۱/۲۱ لغایت ۹۷/۱۲/۱۲
۴- آخرین مهلت تحویل پیشنهادات: ساعت ۱۴:۰۰ مورخ ۹۷/۱۲/۱۳
۵- تاریخ برگزاری جلسه: ساعت ۱۲:۰۰ مورخ ۹۷/۱۲/۱۴
۶- محل دریافت اسناد: مشهد- بزرگراه شهید کلانتری- حدفاصل میدان حافظ و غدیر- سازمان مدیریت پسماند شهرداری مشهد - ساختمان شماره ۲- اداره امور قراردادها
۷- سایر اطلاعات مربوط به مزایده در اسناد مزایده درج شده است.
۸- جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت http://ets.mashhad.ir مراجعه و یا با شماره تلفن ۳۳۸۷۳۰۵۲ -۰۵۱ اداره امور قراردادها تماس حاصل فرمایند.
سازمان مدیریت پسماند شهرداری مشهد
۹۷۱۷۲۷۶۹/س